مستند

پاسداشت شهدای مدافع حرم در به اضافه مستند

پنجاه‌وچهارمین قسمت از برنامه «به اضافه مستند» با پخش و بررسی مستند «بابایی» ساخته مظفر حسین‌خانی روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت. به گزارش «وطن‌امروز»، مستند «بابایی» به کارگردانی مظفر حسین‌خانی میهمان برنامه این هفته به اضافه مستند خواهد بود. در این قسمت و پس از پخش مستند، سیدحسن انتظاری، از جانبازان مدافع حرم و مظفر حسین‌خانی، کارگردان مستند «بابایی» میهمان برنامه خواهند بود و به مناسبت پاسداشت یاد و خاطره شهدای مدافع حرم، درباره این مستند و شهدای مدافع حرم در سوریه و عراق صحبت خواهند کرد. همچنین محمدتقی فهیم و آرش خوشخو به نقد و بررسی فرمی این مستند خواهند پرداخت. این مستند ۸۰ دقیقه‌ای به کارگردانی مظفر حسین‌خانی و تهیه‌کنندگی شبکه استانی آفتاب تهیه شده است و در برنامه این هفته «به اضافه مستند» به نمایش درخواهد آمد تا ادای دینی به شهدای مدافع حرم صورت بگیرد. برنامه «به اضافه مستند» با اجرای سیدمحمدعلی صدری‌نیا، تهیه‌کنندگی سیدمحمدحسین میری و کارگردانی محمدرضا رضاییان سه‌شنبه اول اسفندماه ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه مستند سیما پخش خواهد شد. بازپخش آن روزهای چهارشنبه ۲ اسفندماه ساعت ۹ و جمعه ۴ اسفندماه ساعت ۱۳:۳۰ خواهد بود.

تلویزیون

تولید مجموعه تیزر «جوالدوز» با موضوع سبک زندگی

مجموعه تیزر «جوالدوز» به سبک زندگی و مسائل اجتماعی می‌پردازد. به گزارش «وطن‌امروز»، مجموعه تیزر ۲۰ قسمتی «جوالدوز» از تولیدات بسیج صداوسیما به تهیه‌کنندگی سعید ستودگان بعد از دهه فجر روی آنتن شبکه ۵ سیما می‌رود و قرار است به سبک زندگی ایرانی- اسلامی و مسائل اجتماعی بپردازد. این مجموعه در قالب ماکت‌ویدئو که قالب جدیدی در کشور به شمار می‌رود موضوعات مختلف اجتماعی و سبک زندگی را برای مخاطبان به تصویر می‌کشد و تاکنون ۹ قسمت از این مجموعه آماده پخش شده است. گفتنی است، هر کدام از قسمت‌های مجموعه «جوالدوز» در ۲ یا ۳ دقیقه روی آنتن می‌رود. مجموعه «جوالدوز» تولید مرکز بسیج رسانه ملی است که پیش از این در همین قالب مجموعه «خرمشهر» را روی آنتن فرستاده بود.

ادبیات

آخرین مهلت ارسال آثار به جشنواره «قلم زرین»

دبیر شانزدهمین دوره جشنواره «قلم زرین» از همه نویسندگان و ناشران دعوت کرد کتاب‌های داستان و شعر در ۲ حوزه کودک و نوجوان، و بزرگسال، همچنین پژوهش و نقد ادبی را که چاپ اول آنها در سال ۹۶ بوده است، برای شرکت در جشنواره به دبیرخانه این جایزه ارسال کنند. به گزارش ایسنا، وجیهه سامانی با بیان اینکه لیست همه کارهای چاپ ۹۶ از ابتدای سال جاری تا پایان دی‌ماه، از خانه کتاب دریافت شده است، افزود: بقیه لیست کتاب‌های چاپ‌شده در ۲ ماه بهمن و اسفند را در فروردین‌ماه سال آینده از خانه کتاب دریافت می‌کنیم. اما بنا به دلایل متعدد، لیست دریافتی از خانه کتاب، همیشه دارای نقایصی است و ممکن است کتاب‌هایی هم باشند که از این لیست جا افتاده باشند. برای تسهیل و تسریع کارها و اینکه همه آثار چاپ‌شده در سال ۹۶ مورد داوری قرار گیرد و جایزه قلم زرین به عدالت و صداقت میان همه آثار قضاوت کند، از ناشران و نویسندگان محترم درخواست و دعوت می‌کنیم در صورت امکان آثاری را که چاپ اول آنها در سال جاری است تا ۱۵ اسفندماه به آدرس دبیرخانه جایزه، در محل انجمن قلم واقع در یوسف‌آباد، بالاتر از میدان کلانتری، نبش کوچه ۴۴، پلاک ۳۶۰، طبقه دوم، دبیرخانه جایزه قلم زرین ارسال کنند. او همچنین درباره ترکیب داوران گروه‌های پنجگانه جایزه قلم زرین گفت: ۱۵ نفر از دوستان نویسنده و شاعر در ۵ بخش ادبی شانزدهمین جایزه قلم زرین بنده را همراهی می‌کنند که همگی این عزیزان از افراد متخصص و برجسته رشته خود هستند.

درباره «احمد عزیزی» شاعر دلداده فاطمی

شاعر مادری

محسن شهمیرزادی: دنیا خیلی بزرگ و غیر قابل پیش‌بینی است. آنقدر که در دهه ۳۰ میان عشایر چادرنشین کرمانشاه باشی و دنیایت همان سبزه و شیر و چادر باشد اما چند سالی نمی‌گذرد که شمس آل‌احمد تو را به سوی تهران بخواند و آشنایی‌ات با علامه مطهری تو را پاگیر پایتخت کرده و از تو احمد عزیزی دیگری بسازد؛ احمدی که قبل از مدرسه و با کنجکاوی خودش تمام الفبا را آموخته بود و از همان ابتدا شعر و فلسفه در زندگی‌اش پررنگ بود. احمد عزیزی بعد از جنگ به روزنامه جمهوری اسلامی می‌رود و به همراه یوسفعلی میرشکاک در این روزنامه قلم می‌زند. او شیفته انقلاب بود و ارادتش به حضرت زهرا(س) زبانزد و منحصر به فرد. مثنوی‌ها و شطحیات عزیزی جریانی جدید در شعر پس از انقلاب به وجود آورد اما حادثه‌ای ناگوار این شاعر را یک دهه در کما نگاه داشت و در روز ۱۶ اسفند ۹۵ هزاران مثنوی معنوی ناگفته در خاک دفن شد. علیرضا قزوه در وصف یک دهه برزخ او چنین می‌گوید: «احمد در ۹ سال بیماری تجربه زیستن نزدیک با مرگ را داشت و همین مساله تماشایش را عوض کرده بود. با همان قدرت می‌توانست شعر بگوید اما دیگر زبانی برای بیانش نداشت و تصور کنید چقدر دردناک است که شعری در مخیله‌مان باشد اما نتوانیم فریادش بزنیم. این را احمد با نگاهش که این اواخر توأم با یأس بود با ما می‌گفت. او ۱۰ سال نتوانست شعر بگوید و به نظر من این ۱۰ سال یعنی یک نسل و من نگرانم برای نسلی که فرصت نکرده او را بشناسد. کاش بشود که کتاب‌هایش دوباره منتشر شود تا نسل پیش رو ببیند او چگونه شیفته انقلاب بود و چگونه نام حضرت معصومه(س) و حضرت زهرا(س) منقلبش می‌کرد».

■ **ارادتمند، فیلسوف، شاعر، نویسنده**

احمد عزیزی در اشعارش چند شاخصه برجسته داشت که در دیگر شاعران کمتر یافت می‌شد. او علاقه بسیاری به فلسفه داشت و از ارادتمندان به شهید مرتضی مطهری محسوب می‌شد. او در دوران جوانی حتی برهه‌ای در کلاس‌های فردید شرکت داشت. حسین اسرافیلی، از شاعران برجسته و از دوستان مرحوم عزیزی پیرامون سطح دانش او می‌گفت: احمد برخلاف شاعران بی‌سواد این دوره که حتی در شعرشان غلط املایی دارند بسیار باسواد بود، عمق داشت و نمی‌شد او را مانند برخی شاعران امروزه اقیانوسی دانست که تنها یک سانتیمتر عمق دارند. عزیزی بشدت اهل مطالعه بود. مبانی فلسفه اسلامی و غربی را خوانده بود و درباره‌شان حرف می‌زد. متفکری بود که تفکرش در جان او عمق دوانده بود. احمد عزیزی همچنین علاوه بر شاعری در کسوت نویسندگی نیز قلم می‌زد؛ با همان تبحر شاعرانگی‌اش. محمدرضا سنگری پژوهشگر آیینی و از نزدیکان احمد عزیزی پیرامون نویسندگی او به عنوان یکی از ویژگی‌های متمایزش می‌گوید: ویژگی مهم احمد عزیزی بعد نویسندگی او است که فراتر از بعد شاعری‌اش رفته است. در میان شاعران انقلاب از هر ۴۹ شاعر یکی هم نویسنده می‌شود. به همین خاطر تعداد نویسندگان شاعر کم است و آنهایی هم که می‌نویسند نثرشان ویژه نیست، با این حال در میان شاعران نویسنده احمد عزیزی در زمره ترازمندترین‌هاست. در نثر عزیزی پنجره‌های متنوعی برای تماشا وجود دارد. از عرفان گرفته تا سیاست و به باور من تنها کسی را که از این نظر بتوان شبیه او دانست جبران خلیل جبران است.» سبک عزیزی به سمت معنویت و عرفان اسلامی متمایل بود؛ فرمی جدید که از مثنوی معنوی مولوی الهام گرفته است. ارادت به اهل بیت و مذهب در اشعارش موج می‌زند و اثر زبان عزیزی را در شعر معاصر انقلاب به خوبی می‌توان مشاهده کرد.

■ **شاعر حضرت مادر**

همه کسانی که از عزیزی یاد می‌کردند، چه تمجید و چه نقد، چه از مثنوی‌اش می‌گفتند چه از اندیشه‌اش، چه از شعر و چه از نثرش، از هرچه می‌گفتند در یک وجه هم‌نظر بودند و آن هم ارادت خاص و زبانزد او به حضرت صدیقه طاهره(س) بود. او در شعر و اندیشه برجسته بود اما شیفتگی و ارادتش به حضرت زهرا(س) او را از دیگران متمایز می‌کرد. در ارادتنامه احمد عزیزی همین بس که مبدع لقب شاعرانه «یاس» برای حضرت زهرا(س) است. حمیدرضا شکارسری در وصف اشعار عزیزی و ابداعش می‌گفت: «خیلی از شاعران علاقه دارند شعرشان منبع آفرینش قرار گیرد؛ تشبیه حضرت زهرا(س) به یاس اولین‌بار توسط احمد عزیزی صورت گرفت و منبع آفرینش شاعرهای بعدی شد». همچنین محمدرضا سنگری از ارادت عزیزی به حضرت زهرا(س) اینچنین یاد می‌کند: «من خاطره شیرینی از آن بزرگوار دارم. وی همواره دلدادگی و شیفتگی خاصی نسبت به حضرت زهرا (س) داشت و در جای‌جای زندگی‌اش این را می‌توان بخوبی مشاهده کرد. یادم می‌آید مرکزی به صورت تخصصی درباره آن حضرت مطالعاتی انجام می‌داد. یک سال در آن محل ماکتی از خانه «حضرت زهرا(س)» ساخته شده بود. هیچ وقت یادم نمی‌رود که احمد عزیزی هر روز به آنجا می‌رفت، گوشه‌ای از خانه می‌نشست و در مقام آن حضرت شعر می‌گفت. من بارها احمد را در محافل شعری و ادبی دیده بودم. یکی از آن مکان‌هایی که من عزیزی را زیاد دیده بودم جبهه بود. احمد عزیزی انس و الفت ویژه‌ای با بچه‌های جبهه داشت و بخشی از الهام‌های خود را از آنجا می‌گرفت. از احمد عزیزی اشعار فاطمی بسیاری بر جای مانده است؛ روضه‌های مکشوف و منظومی که از بزرگ‌ترین ماتم شیعه سروده شده است. او در کارنامه خود آثاری همچون «باران پروانه»، «رودخانه رؤیا»، «خوابنامه و باغ تناسخ»، «ترجمه زخم»، «شرجی آواز»، «کفش‌های مکاشفه»، «سیل گل سرخ»، «ناودان الماس»، «ترانه‌های ایلیایی»، «غزالستان»، «قوس غزل»، «ملکوت تکلم»، «روستای فطرت» و «رویای رویت» را جای داده است.

شعر

گل دمید و خون نجوشیدیم ما

عشق من! پاییز آمد مثل پار
باز هم ما بازماندیم از بهار
احتراق لاله را دیدیم ما
گل دمید و خون نجوشیدیم ما
باید از فقدان گل، خون‌جوش بود
در فراق یاس، مشکی‌پوش بود
یاس بوی مهربانی می‌دهد
عطر دوران جوانی می‌دهد
یاس‌ها یادآور پروانه‌اند
یاس‌ها پیغمبران خانه‌اند
یاس ما را رو به پاکی می‌برد
رو به عشقی اشتراکی می‌برد
یاس در هر جا نوید آشتی‌ست
یاس دامان سپید آشتی‌ست
در شبان ما که شد خورشید؟ یاس
بر لبان ما که می‌خندید؟ یاس
یاس یک شب را گل ایوان ماست
یاس تنها یک سحر مهمان ماست
بعد روی صبح پرپر می‌شود
راهی شب‌های دیگر می‌شود
یاس مثل عطر پاک نیت است
یاس استنشاق معصومیت است
یاس را آیینه‌ها رو کرده‌اند
یاس را پیغمبران بو کرده‌اند
یاس بوی حوض کوثر می‌دهد
عطر اخلاق پیمبر می‌دهد
حضرت زهرا دلش از یاس بود
دانه‌های اشکش از الماس بود
داغ عطر یاس زهرا زیر ماه
می‌چکانید اشک حیدر را به چاه
عشق محزون علی یاس است و بس
چشم او یک چشمه الماس است و بس
اشک می‌ریزد علی مانند رود
بر تن زهرا، گل یاس کبود
گریه، آری گریه چون ابر چمن
بر کبود یاس و سرخ نسترن
این دل یاس است و روح یاسمین
این امانت را امین باش ای زمین
نیمه‌شب دزدانه باید در مغاک
ریخت بر روی گل خورشید، خاک
یاس خوشبوی محمد داغ دید
صد فدک زخم از گل این باغ دید
مدفن این ناله غیر از چاه نیست
جز تو کس از قبر او آگاه نیست
گریه کن زیرا که گل‌ها دیده‌اند
یاس‌های مهربان کوچیده‌اند

بریده کتاب

خاطر نازک گل

محمد حیدری: «خاطر نازکِ گُل» یکی از معدود کتاب‌های نوشته شده در ارتباط با سیره عملی حضرت زهرا(س) است که نویسنده سعی کرده با نگاهی کاربردی به معرفی و دسته‌بندی احادیث نقل شده پیرامون شخصیت حضرت زهرا(س) بپردازد. حجت‌الاسلام «حسین سیدی» نویسنده این کتاب با مطالعه بیش از ۵۰۰ منبع، سعی کرده مهم‌ترین و اصلی‌ترین روایاتی را که در ارتباط با زندگی حضرت زهرا(س) در ۳ بعد رابطه با خود، رابطه با خدا و رابطه با دیگران است، جمع‌آوری کند. نویسنده در این اثر، با پرداختن به موضوعات مهمی چون سبک زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی و سیاسی حضرت زهرا(س) و همچنین عملکرد ایشان در دفاع از ولایت هم به نوعی بخشی از تاریخ صدر اسلام را مرور کرده است و هم سیره عملی حضرت زهرا(س) را به عنوان یک انسان کامل، در پیش چشم مخاطبش ترسیم می‌کند. در بخشی از این کتاب آمده است:

هنگامی که کتاب زندگی این بانو را ورق می‌زنیم، روایاتی را می‌بینیم که بر احتیاط بسیار ایشان در حضور نیافتن در مجالس مردانه و نشست یا همکاری با آنان به هر صورتی پای می‌فشارند به گونه‌ای که حس می‌شود ایشان در برابر هیچ مردی آشکار نمی‌شد اما از سویی دیگر احادیثی وجود دارد که در آنها یاران رسول‌خدا(ص) از زردی چهره فاطمه از گرسنگی حکایت می‌کنند؛ کدام‌یک از این دو دسته روایات درست است؟

■ **احادیث دسته اول**

ابن مغازلی از... امام علی(ع) نقل کرد که روزی نابینایی برای ورود به منزل اجازه خواست، حضرت فاطمه خود را پوشانید. پیامبر از وی پرسید: این مرد که تو را نمی‌بیند، چرا خود را از وی پوشاندی؟ بانو گفت: اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم؛ افزون بر این، او بو را احساس می‌کند [و من عطر زده‌ام]. پیامبر فرمود: به راستی که تو پاره تن من هستی. از علی(ع) نقل شده که فرمود: خدمت رسول خدا نشسته بودیم. پرسیدند: به من بگویید چه چیزی برای زنان بهتر است؟ کسی از جمع نتوانست پاسخ دهد تا پراکنده شدیم. نزد فاطمه رفتم و آنچه پیامبر پرسیده بود را بازگو کردم. بانو گفت: اما من می‌دانم. برای زنان بهتر آن است که نه خود مردی را ببینند و نه مردی آنها را ببیند. نزد حضرت برگشتم و پاسخ را گفتم. پرسید: چه کسی آن را به تو گفت؟ گفتم: فاطمه. فرمود: فاطمه پاره تن من است.

■ **احادیث دسته دوم**

اما دسته دوم احادیثی‌اند که جابر بن‌عبدالله انصاری، عمران بن‌حصین و دیگران نقل کرده‌اند که آنان فاطمه و رخسار زرد از گرسنگی او و جز آن را دیده‌اند. شیخ کلینی از جابر بن‌عبدالله انصاری نقل می‌کند: روزی رسول خدا(ص) به طرف خانه فاطمه می‌رفت و من هم با او بودم. چون به در خانه رسیدیم، دست را روی در گذاشت و آن را هل داد. سپس فرمود: السلام‌علیکم. فاطمه گفت: درود بر شما، ای رسول خدا. پیامبر پرسید: وارد شوم؟ زهرا گفت: وارد شو ای پیامبر خدا. رسول پرسید: من و همراهم بیاییم داخل؟ فاطمه گفت: رسول خدا روسری ندارم. [بعد از آنکه حضرت سر خود را پوشاند] پیامبر و من وارد شدیم. رخسار زهرا زرد رنگ بود. پیامبر از او پرسید: چرا چهره‌ات زرد است؟ گفت: از گرسنگی است، ای فرستاده خدا. پیامبر گفت: ای خداوندگار سیرکننده گرسنگان... فاطمه دختر محمد را سیر گردان. جابر گفت: قسم به خداوند دیدم چنان خون به سیمای او دوید که چهره‌اش گلگون شد. بنابراین می‌توان این دو دسته حدیث را این‌گونه جمع‌بندی کرد: او از خودنمایی در جمع مردان بشدت دوری می‌کرد؛ همان‌گونه که دوست نداشت در بیرون از خانه کار کند. اگر چه این کار برای دیگران اشکالی ندارد و این از لحاظ نکته‌ای است که می‌گویند: «نیکی نیکان، برای نزدیکان درگاه خداوندی گناه به شمار می‌رود.» بنابراین از روایات دسته اول وجوب پوشاندن چهره برنمی‌آید. آنچه می‌ماند عدم وجوب پوشش چهره در برابر نامحرم از احادیث دسته دوم است؛ به همین خاطر بود که خلیفه دوم در کوچه او را شناخت و جابر و عمران از زردی رخسارش گفتند.

■■ **پس‌کوچه‌های فرهنگ**

مجری برنامه سینمایی باید متخصص باشد

یک منتقد سینما و تلویزیون با بیان اینکه امسال برنامه «هفت» دچار سقوط آزاد شده بود، بیان داشت: همه‌چیز در برنامه «هفت» امسال متناقض بود و انسجام نداشت. به‌گزارش فارس، محمدتقی فهیم، منتقد سینما و تلویزیون درباره عملکرد برنامه‌های سینمایی تلویزیون در روزهای برگزاری جشنواره فیلم فجر گفت: جایگاه برنامه «هفت» بسیار مهم است و جای خود را بین مردم و مسؤولان باز کرده، الان هم در صدر برنامه‌های سینمایی تلویزیون است اما متاسفانه فکر می‌کنم دست‌اندرکاران پشت‌صحنه این برنامه در حال حاضر در حال هدر دادن این موقعیت هستند و نمی‌توانند از آن استفاده درست کنند. وقتی آدمی مثل رشیدپور را به برنامه تخصصی می‌آورید این نشان می‌دهد که آقایان به جای اینکه موقعیت «هفت» را پررونق نگه دارند به دنبال تخریب «هفت» هستند و این اتفاق امسال رخ داد و کاملا قابل پیش‌بینی بود. در سینما بیشتر از اینکه دنبال مجری شیک باشیم باید دنبال کارشناس سینما و رسانه باشیم.

تازه‌ترین پروژه ضدایرانی هالیوود

پس از «بازی تاج و تخت» و «وست ورلد» شبکه مشهور HBO سراغ یک سریال جاسوسی می‌رود. به گزارش تسنیم، شبکه تلویزیونی مشهور HBO، می‌خواهد با همکاری کارنوال فیلمز بریتانیا، تولیدکننده سریال تحسین شده «داونتون ابی» و شاخه تلویزیونی کمپانی وارنر یک سریال جاسوسی- سایبری بسازد. برای این کار آنها سراغ الکس گیبنی، مستندساز برنده اسکار رفته‌اند تا بر اساس ساخته سال ۲۰۱۶ او، «Zero Days» سریالی با موضوع استاکس‌نت بسازند. استیون شیف، نویسنده سریال جاسوسی مشهور «آمریکایی‌ها» قرار است نوشتن این سریال جدید را که فعلا «استاکس‌نت» نام دارد بر عهده داشته باشد. ویروس استاکس‌نت ویروسی است که توسط آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها تولید شد تا تجهیزات هسته‌ای ایران را از کار بیندازد. در نتیجه کشور ما به‌طور قطع حضور پررنگی در این مجموعه تلویزیونی خواهد داشت و احتمالا با موج دیگری از آثار ضدایرانی هالیوود روبه‌رو خواهیم بود.

ترافیک سنگین در مسیر اکران نوروزی

خبر صدور پروانه نمایش فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» در حالی منتشر شده است که این روزها اخبار زیادی در ارتباط با تلاش سازندگان آثار سینمایی برای به‌دست آوردن فرصت اکران نوروزی منتشر می‌شود. به گزارش «وطن‌امروز»، هر چند با توجه به جدی‌تر شدن احتمال اکران نوروزی فیلم سینمایی «به وقت شام»، فیلم «تنگه ابوقریب» که دیگر تولید سازمان اوج است، به احتمال فراوان برای اکران تابستانی اقدام خواهد کرد ولی براساس اخبار منتشر شده، این روزها سازندگان آثاری همچون «لاتاری»، «لونه زنبور» و «خرگیوش» نیز در پی دستیابی به فرصت اکران نوروزی سال ۹۷ هستند. البته همه اینها در شرایطی است که این روزها فیلم «بدون تاریخ بدون امضا» نیز اکران خود را آغاز کرده است و با توجه به فروش افتتاحیه قابل قبول آن، احتمال اینکه بتواند با حفظ کف فروش، خود را به اکران نوروزی نیز برساند، زیاد است. «آن سوی ابرها» تازه‌ترین ساخته مجید مجیدی نیز از دیگر گزینه‌هایی است که احتمالا در اکران نوروزی نیز حضور خواهد داشت.

شعار دادن همیشه بد نیست!

محمدحسین مهدویان، کارگردان فیلم سینمایی «لاتاری» در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود با آی فیلم، با تصریح اینکه مضمون جدیدترین ساخته سینمای‌اش یک شعار بزرگ ولی با پرداخت مناسب است، شخصیت «موسی» در فیلم «لاتاری» را نماینده یک سوی گفتمانی جاری در جامعه از دهه ۶۰ تاکنون دانست که پرداخت آن براساس نیاز روز اجتماع ضروری است. وی همچنین با اشاره به خاطره‌ای از زمان ساخت این اثر، گفت: زمان مونتاژ فیلم «لاتاری» بعضی از دوستانم می‌گفتند بخش‌هایی را حذف کنیم تا فیلم شعاری به نظر نیاید، ولی من گفتم نگران نباشید. کل فیلم سینمایی لاتاری یک شعار بزرگ است و اگر نگران این باشید که یک قسمتش شعاری شده و باید آن حذف بشود، به کلیت فیلم آسیب می‌زنید. این فیلم اساسا مبتنی بر شعار است ولی شعارهایی که تماشاگر سینما دوست دارد. در لحظاتی دقیقاً معلوم است قهرمان داستان شعار می‌دهد و تماشاگر برای او دست می‌زند. به نظرم شعار اگر به قد و قواره فیلم بیاید، می‌تواند واکنش خوبی از تماشاگر بگیرد.

تئاتر

نگاهی به نمایش «میرمهنا»

روایت دلیری مردمان بندر ریگ

محمد کاظم‌تبار: در سده ۱۲ هجری شمسی مستعمرانی از کشورهای بیگانه از جمله هلند، انگلستان و... قصد تجزیه جنوب ایران و تصرف خلیج‌فارس را داشتند. نمایش، نام دلیری را یدک می‌کشد که در عصر زندیه و همزمان با شدت یافتن دخالت‌های بیگانگان، دریا را بر آنها متلاطم کرده و دست‌های متجاوزگر را از سرزمین‌مان کوتاه کرده بود. این خصیصه میرمهنا سبب شد اروپایی‌ها او را راهزن دریا بنامند اما نام او در میان مردم ایران‌زمین همواره گواه رشادت‌ها و ایستادگی‌های مردم جنوب ایران است. نمایش «میرمهنا» به کارگردانی سیروس کهوری‌نژاد، تولید گروه هنرهای نمایشی روایت فتح است که به قصه میرمهنا، حاکم بندر ریگ می‌پردازد. میرمهنا با سلیمه، دختر میرمحمود نامزد کرده است اما میرمحمود قصد دارد برای خارج کردن حاکمیت بندر ریگ از چنگ میرمهنا، از سر خوش‌خدمتی، دخترش سلیمه را به مستشار انگلیسی هدیه کند. این موضوع میرمهنا را بشدت خشمگین کرده و او برای بر هم زدن میهمانی‌ای که میرمحمود با دعوت از مستشار انگلیسی ترتیب داده بود به مجلس‌شان حمله‌ور می‌شود. میرمهنا قصد شلیک به مستشار انگلیسی را دارد که میرمحمود، پدر سلیمه را سپر مستشار می‌کند و حاصل آن آغشته شدن دست‌های میرمهنا به خون پدر نامزد خود می‌شود. با این اتفاق، سلیمه کینه میرمهنا را به دل می‌گیرد و در سینه‌اش عشق خاموش شده و آتش انتقام شعله‌ور می‌شود. نمایش قصد دارد در قالب قصه‌ای عاشقانه به زندگی قهرمان جنوبی، «میرمهنا» بپردازد و از این طریق ازجان‌گذشتگی و ایستادگی جانانه مردم جنوب کشور را بازگو کند. البته این داستان عاشقانه در ادامه و به واسطه بسط پیدا نکردن درست قصه، برای مخاطب ملموس نمی‌شود و اساسا همین پرداخت سطحی و گذرا به ماجرای عاشقانه میان ۲ شخصیت اصلی قصه، باعث تحت‌الشعاع قرار گرفتن هدف اصلی قصه که روایت مردانگی و قهرمانی میرمهنا و ایستادگی مردم بندر ریگ است، می‌شود. در واقع متن نمایش، نه بخوبی قصه عشق میرمهنا را بازگو می‌کند و نه بخوبی به قصه مقاومت در برابر هلندی‌ها می‌پردازد و نه حتی مخاطب را با یک شخصیت قهرمان روبه‌رو می‌کند. این ضعف نیز نشأت‌گرفته از آشفتگی متن است که میرمهنا به یک شخصیت کامل و قهرمان تبدیل نمی‌شود و حتی می‌توان گفت در شیوه روایت کنونی بیشتر وجه صفتی که بیگانگان به میرمهنا نسبت داده‌اند مصداق دارد و راهزن بودن او برای مخاطب بیشتر جلوه پیدا می‌کند تا قهرمان بودنش! با این همه اگر از متن نمایش بگذریم اما «میرمهنا» در فرم اجرا و کارگردانی اثری قابل قبول است که به وضوح می‌توان هنر کارگردان را در آن دید. طراحی صحنه و لباس دقیق نمایش که متناسب با فضای جنوب کشور است در کنار انتخاب درست موسیقی برای اثر، ۲ نکته مثبتی است که بخوبی می‌تواند برای مخاطبان این نمایش، یادآور فضا و اتمسفر حاکم بر زمان و مکانی باشد که قصه نمایش در آن رخ می‌دهد. موضوع این اثر نویدبخش تداوم راهی است که روایت فتح بتازگی در پیش گرفته و آن پرداختن به کارها و موضوعاتی است که مفهوم مقاومت را فارغ از یک تاریخ یا جغرافیای خاص مورد توجه قرار می‌دهد. قهرمانانی مانند میرمهنا در تاریخ ایران کم نیستند اما او نیز همچون بسیاری از قهرمانان تاریخی کشورمان، همچنان ناشناخته باقی مانده است. پرداختن به این قهرمانان جدای از به تصویر کشیدن مناطق مختلف کشور و آشنایی نسل‌های مختلف با فرهنگ و گذشته سرزمین خود، روح جوانمردی و پایمردی را در مردم زنده می‌کند و مشوقی است برای مردمی آزاده که هیچ‌گاه در برابر بیگانگان سر تعظیم فرود نیاورند.

نمایش خانگی

«قلب سیمرغ» در شبکه نمایش خانگی

شورای صدور پروانه نمایش خانگی با عرضه ۳ عنوان اثر موافقت کرد. به گزارش مهر، در جلسه ۲۳ بهمن شورای صدور پروانه نمایش خانگی که با حضور اکثریت اعضا برگزار شد با عرضه فیلم‌های «این خلوت تنهایی» به تهیه‌کنندگی مجید حاجی‌باشی و کارگردانی سعید ابراهیمی‌فر، «سورنجان» به تهیه‌کنندگی هادی علیمحمدی و کارگردانی محمدرضا رسولی و انیمیشن «قلب سیمرغ» به تهیه‌کنندگی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و کارگردانی وحید نصیریان موافقت شد. همچنین در این جلسه با عرضه ۲ عنوان فیلم خارجی، ۵ عنوان فیلم مراکز فرهنگی و جشنواره‌ها و ۳ عنوان فیلم مستند آموزشی موافقت به عمل آمد.